

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری

به ارتباط یک پارچه شعر شاعره پرآوازه محترمه بهار سعید الحان که مطلعش چنین است :

بدستان تو می بخشم تن عصیانگرم امشب بیا در بسترم امشب

و سر و صداهائی بالا شده بود. از آنجائی که مبالغه در شعر رواست، بشرطی که مذموم نباشد، اگر من هم در صنعت توشیح نام و تخلص آن ادیبه دوران را اینطور بیان بدارم، آیا گناه خواهم کرد؟

آغاز و انجام

{ب} باز دیدم آتشی آتش فشان	{ه} های های من سوختم تا استخوان
{ا} از خراش نار جانان سوختم	{ر} ره سپردم پیش آن سرو روان
{س} سایه ای افگند بر جان و تنم	{ع} عنبرین گیسوی من شاه زنان
{ی} یک کمی بند نقابش را کشود	{د} دیدم آن حسن نکو گشتم جوان
{ا} الغرض آمد بمن شور جنون	{ل} لطف بیگانه نگردد سایه بان
{ح} حیف کردم بر گناه خویشتن	{ا} از نگاه تیز سوی بانوان
{ن} نیست ارباب محبت را گناه	ناظم از آغاز و انجامش بدان